

آموزش دانش آموزان دچار  
ناتوانی های زبانی و ارتباطی

# فهرست مطالب

۹	مقدمه مترجم.....
۱۱	پیشگفتار.....
۱۵	۱ زبان و اختلال‌های زبان.....
۱۶	گفتار، زبان و ارتباط.....
۲۳	اختلال زبان.....
۲۷	خلاصه.....
۲۹	۲ شناخت عناصر زبان.....
۳۰	واج‌شناسی.....
۳۲	تکواژشناسی.....
۳۴	نحو.....
۳۸	معناشناسی.....
۳۹	کاربردشناسی.....
۴۱	خلاصه.....
۴۲	۳ پایه‌های رشد زبان.....
۴۲	پایه‌های جسمی رشد زبان.....
۴۹	مبنای شناختی رشد زبان.....
۵۱	مبنای اجتماعی رشد زبان.....
۵۴	خلاصه.....
۵۶	۴ مدل‌های فراگیری زبان.....
۵۸	مدل رفتاری.....
۶۱	مدل فطری‌نگر (نحوی).....
۶۳	مدل معنایی-شناختی.....
۶۵	مدل تعامل‌گرایی اجتماعی.....
۶۷	مدل‌های معاصر فراگیری زبان.....
۷۱	کاربردهایی برای مداخلهٔ زبانی.....
۷۴	خلاصه.....
۷۵	۵ رشد زبان: از تولد تا پیش‌دبستانی.....
۷۶	رشد پیش‌زبانی.....
۸۴	رشد زبانی در سال‌های پیش‌دبستانی.....
۹۳	رشد زبان و پیدایش سوادآموزی.....
۹۷	خلاصه.....

۹۸	زبان و سوادآموزی در سال‌های تحصیلی
۹۹	رشد زبان در سال‌های تحصیلی
۱۱۱	رشد زبان و سوادآموزی
۱۱۸	خلاصه
۷	زبان، دانش‌آموزان دچار ناتوانی‌های یادگیری، و دانش‌آموزان دچار اختلال کاستی توجه بیش‌فعالی
۱۱۹	زبان، دانش‌آموزان دچار ناتوانی‌های
۱۲۰	تعریف ناتوانی‌های یادگیری و اختلال کاستی توجه بیش‌فعالی
۱۲۶	زبان، ناتوانی‌های یادگیری، اختلال کاستی توجه بیش‌فعالی
۱۳۶	آموزش برای ناتوانی‌های زبانی-یادگیری
۱۵۳	خلاصه
۸	زبان و دانش‌آموزان دچار کم‌توانی ذهنی
۱۵۵	تعاریف و علل کم‌توانی ذهنی
۱۶۰	ویژگی‌های زبانی و ارتباطی
۱۷۳	عوامل مرتبط با نقص‌های زبانی و ارتباطی
۱۸۱	آموزش زبان به افراد دچار کم‌توانی ذهنی
۱۸۶	خلاصه
۹	زبان و دانش‌آموزان دچار اختلال‌های طیف اُتیسزم
۱۹۰	شناخت اختلال‌های طیف اُتیسزم
۱۹۴	زبان و سوادآموزی دانش‌آموزان دچار اختلال‌های طیف اُتیسزم
۲۱۴	مداخله برای نقایص زبانی و ارتباطی
۲۲۵	خلاصه
۱۰	زبان و دانش‌آموزان دچار اختلال‌های هیجانی و رفتاری
۲۲۸	تعریف جمعیت
۲۳۰	شواهدی برای مشکلات زبان و ارتباط
۲۳۸	سوادآموزی و دانش‌آموزان دچار اختلال‌های هیجانی و رفتاری
۲۴۱	سنجش و آموزش
۲۵۰	خلاصه
۱۱	زبان و دانش‌آموزان دچار ناتوانی‌های حسی
۲۵۲	تعریف نقص شنیداری
۲۵۸	ویژگی‌های زبانی افراد دچار نقص‌های شنیداری
۲۶۹	عملکرد تحصیلی و روش‌های آموزشی
۲۸۱	نقص دیداری و زبان
۲۸۹	خلاصه
۱۲	زبان و دانش‌آموزان دچار ناتوانی‌های عصبی حرکتی و آسیب ضربه‌ای مغز
۲۹۱	اختلال‌های عصبی حرکتی
۳۰۳	آسیب ضربه‌ای مغز و زبان
۳۰۹	خلاصه

۳۱۰	..... ۱۳ سنجش زبان و آموزش در کلاس درس
۳۱۱	..... ارزشیابی زبان در کلاس درس
۳۱۹	..... آموزش زبان در کلاس درس
۳۳۸	..... خلاصه
۳۳۹	..... ۱۴ سنجش و آموزش فشرده زبان و ارتباط
۳۴۰	..... سنجش فشرده
۳۴۷	..... آموزش فشرده زبان
۳۶۰	..... خلاصه
۳۶۱	..... ۱۵ ارتباط مکمل و جایگزین
۳۶۲	..... مؤلفه‌های ارتباط مکمل و جایگزین
۳۶۸	..... پیاده‌سازی سامانه‌های ارتباط مکمل و جایگزین
۳۸۳	..... خلاصه
۳۸۵	..... ۱۶ زبان، فرهنگ، و زبان آموزان انگلیسی
۳۸۶	..... زبان و تفاوت‌های فرهنگی
۳۹۷	..... سنجش مناسب
۴۰۳	..... برنامه‌های آموزشی
۴۱۶	..... خلاصه
۴۱۸	..... واژه‌نامه توصیفی
۴۲۵	..... واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۴۲۸	..... واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۴۳۱	..... منابع

در پاسخ به قوانینی مانند قانون آموزش افراد دچار ناتوانی و قانون هیچ کودکی جا نماند، اکنون انتظار می‌رود که اکثر دانش‌آموزان دچار ناتوانی، برنامه‌درسی مشابه همسالان بدون ناتوانی‌شان داشته باشند. برای موفقیت در برنامه‌درسی چالش‌برانگیزتر، این دانش‌آموزان باید مهارت‌های زبانی، چه گفتاری و چه نوشتاری، را داشته باشند.

هدف این کتاب کمک به معلمان و سایر کارشناسانی است که با کودکان کار می‌کنند، تا کسانی را که مشکلات زبانی دارند شناسایی کرده، بشناسند و به آنها کمک کنند، به گونه‌ای که این افراد بتوانند در مدرسه و پس از اتمام تحصیلات رسمی، در زندگی به موفقیت دست یابند. برای دستیابی به این اهداف، ضروری است که همهٔ مربیان ویژه و عادی، زبان را بشناسند، در واقع، بفهمند که زبان چیست و چگونه می‌توانند به کودکانی که در آن مشکل دارند کمک کنند. این کتاب برای کمک به معلمان و سایر کارشناسان آموزش طراحی شده است تا دانشی در مورد زبان، رشد زبان، اختلال‌های زبانی، و شیوه‌های مبتنی بر شواهد برای تقویت مهارت‌های زبانی کسب کنند که آنها را قادر می‌سازد معلمان و/یا درمانگران مؤثرتری شوند.

### تغییرات این ویرایش

ویرایش پنجم آموزش به دانش‌آموزان دچار ناتوانی‌های زبانی و ارتباطی تغییرات چشمگیری داشته است. علاوه بر به‌روزرسانی پیشینهٔ پژوهش، موارد زیر در این ویرایش، جدید هستند:

- محتوای مربوط به سنجش و مداخلهٔ زبان دوباره مفهوم‌سازی شده و برای مطابقت بهتر با مدل پاسخ به مداخله که در ایالات متحده رایج‌تر می‌شود، بازنگری شده است.
- فصل ۱۳ (سنجش زبان و آموزش در کلاس درس) اکنون بر سنجش و آموزش زبان مبتنی بر کلاس متمرکز است که با دو سطح اول مشترک در اکثر مدل‌های پاسخ به مداخله سازگار است.
- فصل ۱۴ (سنجش و آموزش فشردهٔ زبان و ارتباط) روی روش‌های آموزشی و سنجش گسترده‌تر و فشرده‌تر متمرکز است که به صورت معمول با سطح ۳ پاسخ به مداخله مرتبط است. چنین آموزشی معمولاً توسط یک مربی ویژه و/یا یک کارشناس گفتار و زبان ارائه می‌شود.
- در سرتاسر کتاب، بحث‌های گسترده‌ای دربارهٔ فناوری‌های نوظهور، مانند استفاده از برنامه‌های تلفن همراه، وجود دارد که معلمان را قادر می‌سازند تا آموزش‌های فردی بیشتری را با هزینهٔ

کمتر به دانش‌آموزان ارائه دهند.

این نسخه شامل یک نویسنده مشترک با مهارت در فراگیری زبان دوم است، دخترم، امیلی کودر. امیلی یک معلم رسمی اسپانیایی است که در ساختارهای زبانی اسپانیایی، آموزش زبان و فراگیری زبان دوم تخصص دارد. وی دیدگاهی جدید و خوشایند برای این کتاب به ارمغان می‌آورد. امیدوارم اساتید و دانشجویان این نسخه را به‌روزتر و در پژوهش‌های عملی مؤثرتر و درعین‌حال خواندنی و کاربردی‌تر ببینند. هدف من، مانند همیشه، ارائه اطلاعات در مورد زبان به شکلی است که معلمان و سایر کارشناسان آموزش بتوانند از آن برای کمک به کودکان در افزایش مهارت‌های زبانی و سوادآموزی استفاده کنند.

## در مورد نویسندگان

**دکتر اس. جی کودر** استاد گروه آموزش بین‌رشته‌ای و فراگیر در دانشگاه روآن در گلاسبورو، نیوجرسی است. علایق پژوهشی دکتر کودر در ایجاد شیوه‌های مؤثر برای تقویت مهارت‌های زبانی و سوادآموزی کودکان دچار ناتوانی است. پژوهش‌های اخیر او بر استفاده از فناوری برای افزایش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی دانش‌آموزان دچار اختلال‌های طیف اُتسم متمرکز شده است. دکتر کودر دارای مدرک کارشناسی ارشد در آموزش ویژه از دانشگاه تمپل و مدرک دکترای در روان‌زبان‌شناسی کاربردی از دانشگاه بوستون است. او عضو انجمن گفتار-زبان-شنوایی آمریکا و شورای کودکان استثنایی و عضو انجمن آمریکایی کم‌توانی ذهنی است.

**امیلی ای. کودر** دانشجوی دکتری در گروه اسپانیایی و پرتغالی در دانشگاه ویسکانسین-مدیسون است. علایق پژوهشی او شامل یادگیری و حفظ زبان دوم و بعدی و همچنین آموزش زبان دوم است. امیلی دارای مدرک کارشناسی ارشد در ادبیات اسپانیایی و آموزش از دانشگاه دلاور است و یک معلم رسمی زبان اسپانیایی است. امیلی در حال حاضر در حال تکمیل پژوهش‌هایی در مورد رفتارهای بیانی معلمان در محیط کلاس زبان دوم است. او علاوه بر دوره‌های اسپانیایی که برای سخنرانان میراث فرهنگی در نظر گرفته شده است، دوره‌هایی را به زبان اسپانیایی ابزاری و دوره‌های پیشرفته در تمرین زبان، مکالمه، و آواشناسی، تدریس می‌کند.

## قدردانی

از همکاران و دانشجویانم در دانشگاه روآن که همچنان مرا با سؤالات و بحث‌های خود به چالش می‌کشند تشکر می‌کنم. علاوه بر این، از افرادی که ویرایش‌های قبلی این کتاب را بررسی کردند،

تشکر می‌کنم. پیشنهادهای آنها در ویرایش پنجم مفید بوده است. همچنین می‌خواهم از افراد زیر که این ویرایش را برای انتشارات پیرسون بررسی کرده‌اند قدردانی کنم: دکتر استیون آ. کرایتز، دانشگاه کنتاکی شمالی؛ کارن اچ. داگلاس، دانشگاه ایالتی ایلینوی؛ روندا وی. کرای، دانشگاه میشیگان شرقی؛ ریچل ماتیوز، دانشگاه لانگ‌وود؛ و کریستین آر. اوگیلوی، دانشگاه ایالتی فلوریدا. در نهایت، از همسرم، لوسی، و فرزندانم، جولیا، امیلی، و سوزان تشکر می‌کنم که همچنان با عشقشان و دستاوردهای شگفت‌انگیزشان الهام‌بخش من هستند.

## زبان و اختلال‌های زبان



در این فصل معنای اصطلاحات گفتار<sup>۱</sup>، زبان<sup>۲</sup> و ارتباط<sup>۳</sup> را بررسی خواهیم کرد. درک معنای هر یک از این اصطلاحات مهم است زیرا این اصطلاحات در سراسر متن استفاده خواهند شد. علاوه بر این، این اصطلاحات اغلب برای توصیف مشکلات تجربه‌شده توسط برخی از دانش‌آموزان استفاده- و گاهی اوقات به صورت نادرست استفاده می‌شوند.

هنگامی که به‌طور منطقی از آنچه در مورد آن صحبت می‌کنیم مطمئن شدیم، می‌توانیم شروع به شناسایی کودکان دچار اختلال‌های زبانی کنیم. همچنین، در این فصل مفهوم اختلال زبان را مورد بحث قرار خواهیم داد و معیارهایی را برای شناسایی دانش‌آموزان دچار مشکلات زبانی در نظر خواهیم گرفت.

### پیامدهای یادگیری

پس از مطالعه این فصل، باید بتوانید:

۱. بین گفتار، زبان و ارتباط تفاوت قائل شوید و ویژگی‌های هر یک را توضیح دهید.
۲. ویژگی‌های اختلال‌های زبانی را بیان کنید.

### کوین: مورد پژوهی

کوین دانش‌آموز ۹ ساله‌ای است که در یک کلاس چهارم عمومی مشغول به تحصیل است. کوین باهوش به نظر می‌رسد و معمولاً سخت تلاش می‌کند، اما او برای معلمش یک معما است. گاهی اوقات به نظر می‌رسد که در کلاس حضور ندارد. او دستورات را اشتباه می‌فهمد زیرا نمی‌تواند تمام تکلیف را تکمیل کند یا حتی روی صفحات اشتباهی کار می‌کند. وی تمایلی به پاسخ دادن به سؤالات در کلاس ندارد. وقتی جواب می‌دهد، می‌ایستد و شروع می‌کند و گویی به نظر می‌رسد. کوین خواننده‌ای کند و مردد است. معلم او، خانم راس، متوجه شده است که به نظر می‌رسد درک او از متن بیشتر از توانایی او در خواندن خود کلمات است. او در هجی کردن ضعیف است. او در نوشته‌هایش به‌طور معمول از جملات کوتاه و بدون پیوستگی استفاده می‌کند و نوشته‌های او اغلب به‌خوبی سازمان‌دهی نشده است. کوین در ریاضیات خوب است، اما در مسائل کلامی مشکل دارد. علاوه بر مشکلات مربوط به تکالیف تحصیلی، کوین اغلب در میان دانش‌آموزانی که با وی دوست هستند، جایگاهی ندارد. وقتی دیگران برای بازی بیرون می‌روند پشت سرشان راه می‌افتد و اغلب [در غذاخوری به] تنهایی غذا می‌خورد.

خانم راس می‌خواهد به کوین کمک کند، اما مطمئن نیست چه مشکلی دارد. آیا او نابالغ است؟ آیا باید برای آموزش ویژه ارجاع داده شود؟ آیا مشکلات کوین دلایل پزشکی دارند؟

1. speech
2. language
3. communication



کوبین نمونه‌ای از دانش‌آموزانی است که در زبان و ارتباط مشکل دارند. او ممکن است در درک زبان دریافتی و ایجاد پاسخ‌های گفتاری مناسب دچار مشکل باشد. به نظر می‌رسد که او برخی از مهارت‌های ارتباطی ظریف را که برای پذیرش اجتماعی توسط همسالانش حیاتی است، ندارد. او در خطر مشکلات تحصیلی و همچنین اجتماعی است. اگر اقدامی صورت نگیرد، این احتمال وجود دارد که مشکلات کوبین بدتر شوند. با افزایش سرعت یادگیری در دوره راهنمایی و دبیرستان، او احتمالاً عقب‌تر خواهد افتاد؛ اما چه باید کرد؟ و مشکل کوبین چیست؟

برای شناخت کوبین و کودکانی مانند او، ابتدا باید ماهیت زبان و مفاهیم مربوط به گفتار و ارتباط را درک کرد. این کار ممکن است به تعیین نوع مشکل کوبین کمک کند. حتی ممکن است به ایجاد روش‌هایی کمک کند تا به کوبین و کودکانی مانند او کمک شود تا مهارت‌های خود را در زبان و ارتباط افزایش دهند.

## گفتار، زبان و ارتباط

### گفتار

گفتار، زبان و ارتباط، همگی کلماتی هستند که گاهی در توصیف محصول زبان و مشکلات زبانی کودکان به کار می‌روند. ممکن است کوبین مشکل گفتاری داشته باشد. ممکن است مشکل زبانی هم داشته باشد. آیا اصطلاحات متفاوت، فقط شیوه دیگری برای گفتن چیز یکسانی هستند؟ او ممکن است مشکلاتی در برقراری ارتباط با دیگران داشته باشد. چگونه می‌توانیم مشکل کوبین و سایر دانش‌آموزان مانند او را توصیف کنیم؟ آیا فرقی می‌کند مشکل او را چه بنامیم یا این فقط یک بحث علمی خسته‌کننده است؟

برای پاسخ به این سؤالات، لازم است بدانیم منظور ما از اصطلاحات گفتار، زبان و ارتباط چیست. این اصطلاحات اغلب حتی توسط برخی از کارشناسان به جای هم برای توصیف مشکلاتی که بسیاری از کودکان در یادگیری و تعامل دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ اما هر یک از این اصطلاحات معنای خاصی دارند که کاربردهایی برای درک و کمک به دانش‌آموزان دارند. برای اینکه بفهمیم گفتار، زبان و ارتباط به چه معنا هستند، باید چند سؤال دیگر پرسیم. آیا می‌توان گفتار بدون زبان داشت؟ نوزاد ۳ ماهه را که شروع به غان و غون می‌کند در نظر بگیرید. به صداهایی که او درمی‌آورد گوش کنید: «به»، «گه»، «بو». آیا این صداهای گفتاری هستند؟ زبان‌شناسان<sup>۱</sup> (افرادی که زبان را مطالعه می‌کنند) می‌گویند که اینها، صداهای گفتاری هستند زیرا دارای ویژگی‌هایی هستند که با صداهای

تولید شده توسط بزرگسالان یکسان است. در مورد افراد دچار اکولالیا یا پژواک‌گویی<sup>۱</sup> چطور؟ پژواک‌گویی وضعیتی است که در برخی از کودکان دچار اختلال‌های طیف اُتسم رایج است که در این وضعیت، آنها آنچه را که می‌شنوند تکرار می‌کنند. برای مثال، ممکن است بگوییم: «شام چه خوردی؟» و یک فرد دچار پژواک‌گویی ممکن است پاسخ دهد: «شام چه خوردی؟» آیا این شخص از گفتار استفاده کرده است؟ البته پاسخ مثبت است.

در هر یک از این مثال‌ها، واضح است که از گفتار استفاده می‌شود، اما بیشتر زبان‌شناسان می‌گویند که در هیچ یک از این موارد از زبان واقعی استفاده نمی‌شود. مادر یا پدر ممکن است ادعا کنند که می‌دانند کودک چه می‌گوید، اما اکثر افراد دیگر در تفسیر صداهایی که گفته می‌شود مشکل دارند. به سختی می‌توان گفت که گفتار کودک با قوانین زبان بزرگسالان مطابقت دارد. در مورد فرد دچار پژواک‌گویی، برونداد گفتار قطعاً به شکل زبان است، اما به شکل معناداری استفاده نمی‌شود. این نوع گفتار، پاسخ مناسبی در بافت گفت‌وگو نیست.

این مشاهدات می‌تواند به ما کمک کند بین گفتار و زبان تفاوت قائل شویم. گفتار را می‌توان به‌عنوان عمل عصبی عضلانی تولید صداهایی که در زبان استفاده می‌شوند تعریف کرد. همه صداهای گفتاری در یک زبان خاص نیستند. برای مثال، یک فرد می‌تواند صداهای کلیک [صدای کوتاه و پر قدرت] را با زبان خود ایجاد کند. این صداها ممکن است در برخی از زبان‌های آفریقایی صداهای گفتاری باشند، اما در زبان انگلیسی صداهای گفتاری نیستند؛ بنابراین، گفتار یک عمل فیزیولوژیکی است که در آن عضلات درگیر در تولید گفتار، توسط مغز برای تولید صداهای زبان هماهنگ می‌شوند.

## زبان

زبان منحصر به انسان است. در واقع این چیزی است که ما را انسان می‌سازد. موافقید؟ درحالی‌که بسیاری از زبان‌شناسان ادعا می‌کنند که زبان مختص انسان است، پژوهش‌های انجام‌شده روی انواع مختلف حیوانات در طی ۵۰ سال گذشته، این ادعا را به چالش کشیده‌اند و درعین حال به ما کمک کرده‌اند تا درک خود از زبان را روشن‌تر سازیم. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که به نظر می‌رسد برخی از حیوانات مهارت‌های زبانی دارند که به مهارت‌های زبانی انسان نزدیک است. به‌طور حتم بسیاری از گونه‌ها نظام‌های ارتباطی بسیار مؤثری دارند. برای جزئیات بیشتر در مورد برخی از پژوهش‌ها در مورد زبان در حیوانات، به کادر ۱-۱ مراجعه کنید.

برخی از حیوانات توانایی‌های چشمگیری برای برقراری ارتباط از خود نشان داده‌اند، ولی زبان‌شناسانی مانند نوام چامسکی و روان‌شناسانی مانند استیون پینکر (۱۹۹۴) ادعا می‌کنند که زبان در

واقع منحصر به انسان است. چامسکی و همکارانش (هاوزر، چامسکی و فیچ، ۲۰۰۲) ادعا می‌کنند که نظام‌های ارتباطی زنبورها و شامپانزه‌ها از نظر کیفی با زبان انسان متفاوت هستند، زیرا فاقد قدرت بیانی غنی و بی‌پایان زبان انسان هستند. درحالی‌که آنها قبول دارند که انسان‌ها اشتراکات زیادی با حیوانات دیگر دارند که به آنها کمک می‌کند تا زبان را در «معنای وسیع» رشد دهند، ولی معتقدند که جنبه‌هایی از زبان وجود دارد که منحصر به انسان است. استدلال پینکر (۱۹۹۴) مبتنی بر وجود چیزی است که او آن را «غریزه» زبان می‌نامد، این غریزه ویژگی منحصر به فرد انسان است که مبتنی بر رشد زیست‌شناختی مغز ما است. پینکر و همکارش ری جکنداف (۲۰۰۵) ادعا می‌کنند که زبان انطباق منحصر به فرد مربوط به گونه انسان برای هدف ارتباط است.

### کادر ۱-۱ آیا حیوانات زبان دارند؟

سایوج رامبا، شانکر و تیلور (۱۹۹۸) در کتاب خود با عنوان *میمون‌ها، زبان و ذهن انسان*، زبان چشمگیر (و دیگر دستاوردهای) کانزی را که یک نوع بونوبو است (نوعی میمون از آفریقا)، توصیف می‌کنند. نویسندگان این رویداد را اینگونه بازگو می‌کنند:

یک روز زمانی که کانزی به دیدن آستین (شامپانزه) می‌رفت، مقداری غلات می‌خواست که مخصوص آستین تهیه شده بود. به او گفته شد: «اگر ماسک هیولای خود را به آستین بدهی تا با آن بازی کند، می‌توانی مقداری غلات بخوری.» کانزی بلافاصله ماسک هیولای خود را پیدا کرد و آن را به آستین داد و سپس به غلات آستین اشاره کرد. وقتی به کانزی گفته شد: «بیا با یدک کش برویم و یک بادکنک آب بسازیم»، کانزی به سمت یدک کش رفت، یک بادکنک از کوله‌پشتی بیرون آورد و آن را زیر شیر آب نگه داشت. (ص. ۱۳۹)

چنین تعاملی به چه معناست؟ آیا کانزی واقعاً فهمید که چه چیزی به او گفته می‌شود؟ او مطمئناً طوری پاسخ داد که گویی درک کرده است؛ اما او چه فهمید؟ آیا او دستور زبان جمله پیچیده‌ای را که شنیده بود فهمید؟ آیا او کلمات را فهمید؟ یا او فقط موقعیت را درک کرده و «فهمید» که از او چه انتظاری می‌رود؟

اینها سؤالاتی هستند که مدت‌هاست روان‌شناسان و زبان‌شناسان را مجذوب خود کرده‌اند. تلاش‌های اولیه وینتروپ و لولا کلوگ در دهه ۱۹۳۰ و کیت و کتی هیز در دهه ۱۹۴۰ برای القای زبان در شامپانزه‌ها با بزرگ کردن آنها درست مانند یک نوزاد انسان، تا حد زیادی شکست خورد، ولی علاقه به زبان نخست‌های غیرانسانی از بین نرفت. با شروع دهه ۱۹۶۰، پژوهش‌های بثاتریس و آلن گاردنر از دانشگاه نوادا، علاقه به توانایی‌های زبانی بالقوه شامپانزه‌ها و دیگر نخست‌های غیرانسانی دوباره احیا شد. گاردنرها با استفاده از زبان اشاره آمریکایی به عنوان وسیله ارتباطی، شامپانزه‌ای به نام واشو را با موفقیت آموزش دادند تا از بیش از ۱۰۰ علامت استفاده کند. حتی هیجان‌انگیزتر، آنها ادعا کردند که واشو با ترکیب نشانه‌هایی که آموخته بود، نشانه‌های جدیدی ایجاد کرد (گاردنر و گاردنر، ۱۹۶۹).

بسیاری از ادعاهای مطرح‌شده توسط پژوهشگران در مورد توانایی‌های زبانی شامپانزه‌ها و میمون‌ها، توسط دانشمندان دیگر به چالش کشیده شده‌اند. برای مثال، پس از بررسی برخی از پژوهش‌های اولیه گاردنرها، دکتر هربرت تراس از دانشگاه کلمبیا (تراس، ۱۹۸۰) به این نتیجه رسید که بسیاری از ادعاهای مربوط به شواهد توانایی‌های زبانی شامپانزه‌ها بیش‌ازحد اغراق‌آمیز هستند و استفاده‌های فرضی از زبان، در واقع، صرفاً نمونه‌هایی از تقلید پیچیده هستند.

بحث در مورد اینکه آیا زبان منحصر به انسان است ادامه خواهد یافت. این یک بحث جذاب است زیرا سؤالاتی را در مورد ماهیت زبان و معنای انسان بودن ایجاد می‌کند.

درحالی‌که برخی از زبان‌شناسان (برای مثال، برایان مک وینی، ۱۹۹۹) این ایده را رد می‌کنند که زبان ذاتی است و صرفاً نتیجه جبر زیستی است، ولی شکی نیست که زبان در انسان، همگانی است. تخمین زده شده است که امروزه در تمام نقاط جهان، نزدیک به ۷۰۰۰ زبان وجود دارد که با آنها صحبت می‌شود (لوئیس، ۲۰۰۹). زبان‌ها در همه جوامع -شهری و روستایی، صنعتی و کشاورزی- و در تمام مناطق جهان یافت می‌شوند (برای مشاهده نقشه‌ای که زبان‌های جهان را نشان می‌دهد، وبگاه Ethnologue را جستجو کنید).

پس زبان چیست؟ قبل از اینکه بتوانیم به تعریفی از زبان دست پیدا کنیم، لازم است سؤال دیگری را مطرح کنیم. آیا زبان بدون گفتار ممکن است؟ پاسخ بله است. یک مثال زبان اشاره آمریکایی<sup>۱</sup> است. اکثر زبان‌شناسان موافق هستند که زبان اشاره آمریکایی یک زبان است (باتیسون، ۲۰۰۰). این زبان روش اصلی ارتباط بسیاری از افراد ناشنوا است. زبان اشاره آمریکایی یک زبان اشاره‌ای است که ساختار دستوری منحصر به فرد خود را دارد؛ اما چرا زبان به حساب می‌آید؟ چه چیزی آن را چنین می‌کند؟

یک ویژگی زبان ممکن است واضح باشد: یک زبان واقعی ارتباطی است. زبان واقعی افکار، ایده‌ها و معنا را منتقل می‌کند. ارتباط یکی از ویژگی‌های ضروری زبان است، اما برای توصیف زبان کافی نیست. زبان‌شناسان می‌گویند که برای اینکه یک نظام ارتباطی زبان باشد، باید توسط گروهی از مردم به اشتراک گذاشته شود [که این دومین ویژگی زبان است]. آنها این ویژگی را رمز مشترک می‌نامند؛ یعنی ممکن است همه افراد زبان اشاره آمریکایی بلد نباشند (همان‌طور که همه افراد مجارستانی نمی‌دانند)، اما کسانی که زبان مورد استفاده را می‌دانند، می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. ممکن است بپرسید: «گروه باید چقدر بزرگ باشد؟» حالا این یک سؤال جالب دیگر است. گاهی گزارش‌هایی در مطبوعات از دوقلوهایی که «زبان مخفی» مشترکی دارند، منتشر شده است. پژوهشگرانی که این پدیده را مطالعه کرده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از دوقلوها واقعاً کلمات و ساختارهای جملات منحصر به فردی را ایجاد می‌کنند، اما اکثر آنها به سرعت از این مرحله خارج می‌شوند (بیشاپ و بیشاپ، ۱۹۹۸). حتی اگر فقط مدت کوتاهی طول بکشد، آیا این واقعاً یک زبان است؟ به هر حال، این یک نظام ارتباطی است که توسط بیش از یک نفر استفاده شده است. برای پاسخ به این سؤال، باید بیشتر بدانیم که چه چیزی یک نظام ارتباطی را به یک زبان تبدیل می‌کند.

سومین ویژگی زبان این است که از نمادهای قراردادی تشکیل شده است؛ یعنی نمادها صرفاً به این دلیل معنا دارند که ما می‌گوییم آنها دارند. هیچ دلیلی وجود ندارد که نشود درخت را «دود» نامید. در کلمه درخت هیچ چیز سبز و پربرگی وجود ندارد [که باعث شود اجباراً از آن برای اشاره به درخت

استفاده کنیم]. تعدادی از علائم زبان اشاره آمریکایی تصویری هستند (شبيه چیزهایی هستند که نشان می‌دهند)، ولی بیشتر آنها نمادهای قراردادی هستند؛ بنابراین زبان اشاره آمریکایی این ویژگی زبان را دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های زبان، زاینده‌گی آن است. با توجه به مجموعه متناهی از کلمات و تعداد محدودی از قوانین، گویندگان می‌توانند تعداد نامتناهی جمله تولید کنند. شما فردی تحصیل‌کرده هستید که خیلی مطالعه کرده‌اید، اما مطمئناً جملاتی در این کتاب وجود دارد که قبلاً هرگز با آنها برخورد نکرده‌اید. این به دلیل خاصیت زایشی زبان است. در نهایت، زبان خلاق است. کلمات جدید به طور دائم وارد زبان می‌شوند درحالی‌که کلمات موجود کاربرد خود را از دست می‌دهند یا معنایشان تغییر می‌کند. برخی از کلمات جدیدی که وارد زبان انگلیسی شده‌اند مانند *bait*، *تلفون*، *لیزر* را در نظر بگیرید. در مورد کلماتی که معانی اضافی به دست آورده‌اند مانند *neat*، *cool* چگونه؟

می‌بینید که زبان پدیده پیچیده‌ای است و به همین دلیل، تعریف آن دشوار است. حتی زبان‌شناسان گاهی اوقات در تعریف اینکه آیا یک نظام ارتباطی، زبان است مشکل دارند. **گوش‌ها** انواع یک زبان هستند. آنها ممکن است فقط در یک مؤلفه (به تفاوت‌های منطقه‌ای برای کلماتی مانند «کیف» و «گونی» در ایالات متحده فکر کنید) یا در چندین مؤلفه (برای مثال، گوش‌های منطقه‌ای در ایتالیا که می‌توانند آنقدر متفاوت باشند که گویشوران مناطق مختلف نمی‌توانند [صحبت‌های] یکدیگر را درک کنند) متفاوت باشند. در واقع در چه مرحله‌ای یک گوش به یک زبان جداگانه تبدیل می‌شود؟ این سؤال واقعاً دشواری است و زبان‌شناسان همچنان با آن چالش دارند (برای مثال، بکوس، ۱۹۹۹). هیچ پاسخ قطعی برای این سؤال وجود ندارد که در چه نقطه‌ای می‌توان یک گوش را به‌عنوان یک زبان جداگانه در نظر گرفت، ولی پرسیدن سؤالاتی از این قبیل به ما کمک می‌کند تا بهتر بفهمیم چه چیزی یک زبان را تعریف می‌کند.

از آنجاکه زبان پدیده بسیار پیچیده‌ای است و هنوز به‌طور کامل درک نشده است، تعریف واحد و پذیرفته شده‌ای از آن وجود ندارد. بیایید ببینیم آیا می‌توانیم تعریف خودمان را از زبان بسازیم. به نظر می‌رسد که اکثر صاحب‌نظران بر اینکه زبان **نمادین** و **مبتنی بر قواعد** است، اتفاق نظر دارند. بحث ما در مورد استفاده از زبان نشان می‌دهد که ارتباط از طریق یک **رمز مشترک** (یا همان‌طور که هالیت، فاهی و هاوارد [۲۰۱۴] بیان کردند، «قراردادها») ضروری است؛ بنابراین، با کنار هم گذاشتن این موارد، به تعریف زیر می‌رسیم که در این کتاب از آن استفاده خواهیم کرد:

**زبان** یک نظام نمادی مبتنی بر قواعد برای انتقال معنا از طریق یک رمز مشترک از نمادهای قراردادی است.

این تعریف این ایده را بیان می‌کند که زبان شامل ارتباطی است که در یک جامعه به اشتراک

گذاشته می‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم زبان این است که هم دریافتی و هم بیانی است؛ یعنی هم شامل درک زبان (دریافتی) و هم تولید زبان (بیانی) می‌شود. کودکان خردسال و برخی از کودکان دچار ناتوانی ممکن است نتوانند کلماتی را تولید کنند که بزرگسالان استفاده می‌کنند، اما اگر به‌طور مداوم به درونداد زبانی پاسخ دهند، می‌توان گفت که زبان‌شان رشد یافته است.

## ارتباط

آیا می‌توان بدون زبان ارتباط برقرار کرد؟ اگر تابه‌حال در یک اتاق پر سروصدا بوده‌اید، پاسخ باید واضح باشد. بسیاری از ارتباطات می‌توانند به‌صورت غیرزبانی رخ دهند. با یک لبخند، تغییر وضعیت بدن، یک حرکت یا حتی بالا بردن ابرو می‌توان ارتباط بسیار خوبی برقرار کرد. گاهی اوقات ممکن است این تلاش‌های ارتباطی، اشتباه تفسیر شوند و مشکلاتی ایجاد کنند؛ اما واضح است که می‌توان بدون زبان گفتاری ارتباط برقرار کرد.

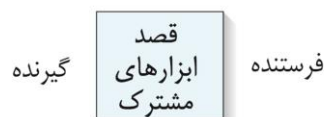
ارتباط گسترده‌ترین اصطلاحی است که سعی کرده‌ایم آن را تعریف کنیم. یک نویسنده ارتباط را

این‌گونه تعریف کرده است: «ارتباط فرآیندی است که شرکت‌کنندگان برای تبادل اطلاعات و ایده‌ها، نیازها و خواسته‌ها استفاده می‌کنند» (اونز، ۲۰۱۵، ص. ۹). برای اینکه ارتباط برقرار شود، باید چهار عنصر وجود داشته باشد:

### شکل ۱-۱.

#### مؤلفه‌های ارتباط

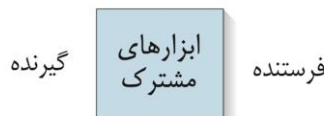
#### (الف) ارتباط موفقیت‌آمیز



#### (ب) فقدان ابزار مشترک زبان



#### (ج) فقدان قصد مشترک



۱. فرستنده پیام
۲. گیرنده پیام
۳. قصد مشترک برای برقراری ارتباط
۴. وسیله ارتباطی مشترک

هنگامی که همه این عناصر وجود دارند، ممکن است ارتباط رخ دهد (شکل ۱-۱ الف) را ببینید؛ اما زمانی که یک یا چند مورد از این عناصر وجود نداشته باشند، ممکن است در ارتباط خلل ایجاد شود. شکل ۱-۱ (ب) نشان می‌دهد که اگر با فردی در یک کشور خارجی ملاقات کنید چه اتفاقی می‌افتد. ممکن است هر دوی شما بخواهید با هم ارتباط برقرار کنید، اما تا زبان مشترکی نداشته باشید، ممکن است نتوانید این کار

را انجام دهید. شما قصد برقراری ارتباط را دارید، اما فاقد یک وسیله ارتباطی مشترک هستید. باین‌حال، اگر بتوانید پیام‌های خود را با حرکات و حالات صورت منتقل کنید، ممکن است بتوانید با یکدیگر ارتباط برقرار کنید. برعکس، دو گوینده ممکن است ابزار برقراری ارتباط (یعنی یک زبان مشترک) را داشته باشند، اما قصد ارتباطی یکسانی نداشته باشند (شکل ۱-۱ ج) را ببینید). برای مثال، اگر من در حال تدریس در کلاس باشم و ناگهان احساس گرما کنم، ممکن است به دانشجویی در کلاس که نزدیک پنجره نشسته است نگاه کنم و بگویم: «هی، اینجا گرم است.» اگر پاسخ دانشجوی این باشد که «بله، همین‌طور است»، ما نتوانستیم ارتباط برقرار کنیم. قصد من این بود که دانشجوی پنجره را باز کند. درک دانشجوی از پیام من این بود که من صرفاً در مورد دمای اتاق اظهارنظر کردم. برای موفقیت‌آمیز بودن ارتباط، همه عناصر آن باید وجود داشته باشند: گوینده، شنونده، قصد مشترک برای برقراری ارتباط، و وسیله ارتباطی مشترک.

دیدید که گفتار و زبان می‌توانند برای برقراری ارتباط استفاده شوند، اما برای برقراری ارتباط ضروری نیستند. ارتباط می‌تواند بدون استفاده از گفتار یا زبان انجام شود. به‌طور مشابه، زبان می‌تواند گفتاری یا غیرگفتاری باشد (برای مثال، زبان اشاره آمریکایی). گفتار را می‌توان برای بیان زبان یا برای جملات غیرزبانی (مثلاً غان و غون کردن یا پژواک‌گویی) استفاده کرد (شکل ۱-۲ را ببینید).

## شکل ۱-۲.

### گفتار، زبان و ارتباط

گفتار: اقدام عصب عضلانی تولید صداهایی که در زبان استفاده می‌شوند.

زبان: یک نظام نمادی مبتنی بر قواعد برای انتقال معنا از طریق یک رمز مشترک از نمادهای قراردادی. زبان:

■ ارتباط برقرار می‌کند.

■ یک رمز مشترک است.

■ از نمادهای قراردادی تشکیل شده است.

■ زایشی است.

■ خلاق است.

ارتباط: «فرآیندی که شرکت‌کنندگان برای تبادل اطلاعات و ایده‌ها، نیازها و خواسته‌ها استفاده می‌کنند» (اونز، ۲۰۱۵).

برای برقراری ارتباط، باید موارد زیر وجود داشته باشد:

■ فرستنده پیام.

■ گیرنده پیام.

■ قصد مشترک برای برقراری ارتباط.

■ وسایل ارتباطی مشترک.

برای اهداف ما، درک تمایز میان گفتار، زبان و ارتباط مهم است، زیرا این تمایزها می‌توانند به ما کمک کنند تا در مورد ماهیت مشکلات دانش‌آموزی مانند کوین دقیق‌تر باشیم. ممکن است مشکلات او در وهله نخست ناشی از مشکلات گفتاری، مانند تلفظ نادرست باشند. تا حدودی این مشکل می‌تواند دلیل عدم تمایل او به صحبت در کلاس و برخی از مشکلات او در معاشرت با همسالانش باشد؛ اما مشکل گفتاری به‌تنهایی نمی‌تواند مشکلات کوین در درک زبان یا مشکلات خواندن و نوشتن وی را توضیح دهد. کوین به‌وضوح در برقراری ارتباط با دیگران مشکل دارد. این مشکل می‌تواند ناشی از درک نادرست مقاصد ارتباطی دیگران یا نقص در مهارت‌های زبانی باشد که برای برقراری ارتباط ضروری هستند. به‌احتمال‌زیاد کوین دچار اختلال زبان است. دشواری او در استفاده و تفسیر زبان برای یادگیری و معاشرت مؤید این نتیجه‌گیری است.

## اختلال زبان

کودکان دچار اختلال‌های گفتاری و زبانی دومین دسته بزرگ از دانش‌آموزان دچار ناتوانی هستند که طبق قانون بهبود آموزش افراد دچار ناتوانی شناسایی می‌شوند. در سال تحصیلی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲، نزدیک به ۱.۴ میلیون کودک (حدود ۲.۸٪ از کل جمعیت دانش‌آموزی) در ایالات متحده خدمات مربوط به ناتوانی گفتار یا زبان را دریافت کردند (وزارت آموزش ایالات متحده، ۲۰۱۵). این عدد زیاد است، ولی احتمالاً شیوع اختلال‌های گفتار و زبان در جمعیت سن مدرسه، کمتر از حد برآورد شده است. ارقام مربوط به قانون آموزش افراد دچار ناتوانی فقط بر اساس آن دسته از کودکانی است که طبقه اصلی ناتوانی آنها، ناتوانی گفتار و زبان است. بااین‌حال، بسیاری از کودکان با ناتوانی‌های دیگر (مانند اُتیسم، کم‌توانی ذهنی، ناتوانی‌های یادگیری)، اختلال‌های گفتاری و/یا زبانی چشمگیری دارند. مؤسسه ملی ناشنوایی و سایر اختلال‌های ارتباطی (۲۰۱۵) تخمین می‌زند که در جمعیت سن مدرسه، شیوع اختلال‌های گفتار و زبان نزدیک به ۶ درصد است. این بدان معناست که تقریباً ۳ میلیون کودک در ایالات متحده دچار اختلال گفتار یا زبان هستند.

بااین‌حال، ممکن است کودکان بسیار بیشتری دچار مشکلات گفتاری و زبانی باشند که خدمات دریافت نمی‌کنند. برآوردهای فعلی حاکی از آن هستند که حدود ۱۷ درصد از کل جمعیت ایالات متحده، به نوعی از اختلال ارتباطی دچار هستند (اونز، فارینلا و متز، ۲۰۱۵). کودکانی که دچار «مشکلات» زبانی هستند ممکن است در یک یا چند زمینه زبانی از همسالان خود عقب‌تر باشند، اما مشکلات آنها ممکن است خیلی فراگیر نباشند و کمتر از مشکلات کودکانی باشند که دچار «اختلال زبان» هستند. دانش‌آموزانی که مشکلات زبانی دارند ممکن است چالش‌های زبانی خیلی جدی نداشته باشند، ولی ممکن است در معرض مشکلات خواندن و نوشتن باشند.



انجمن گفتار- زبان- شنوایی آمریکا، اختلال زبان<sup>۱</sup> را به شرح زیر تعریف کرده است:

اختلال زبان، نقص در درک و/یا استفاده از گفتار، نوشتار، و/یا سایر نظام‌های نمادین است. این اختلال ممکن است شامل (۱) شکل زبان (واج شناسی، تکواژشناسی، نحو)، (۲) محتوای زبان (معناشناسی) و/یا (۳) کاربرد زبان در ارتباط (کاربردشناسی) در هر ترکیبی باشد. (انجمن گفتار- زبان- شنوایی آمریکا، ۱۹۹۳، ص. ۴۰)

بیاید بیشتر جزئیات این تعریف را بررسی کنیم. اولین نکته اصلی که توسط تعریف انجمن گفتار- زبان- شنوایی آمریکا برجسته شده این است که اختلال زبان هم شامل درک زبان و هم تولید زبان است. کودکانی که در درک (زبان دریافتی) مشکل دارند ممکن است در پیروی از دستورات مشکل داشته باشند و ممکن است بی‌توجه به نظر برسند. دانش‌آموزانی که در تولید زبان (زبان بیانی) مشکل دارند ممکن است تمایلی به شرکت در فعالیت‌هایی که نیاز به استفاده از زبان دارند، نداشته باشند. آنها ممکن است نسبت به همسالان خود از زبان ناپخته‌تری استفاده کنند. همچنین ممکن است در بیان تجربیات شخصی یا بازگویی داستان‌ها مشکل داشته باشند. گاهی اوقات مشکلات زبان تولیدی آشکارتر هستند، اما مشکلات در درک می‌توانند به همان اندازه یا بیشتر، در کلاس درس مشکل‌ساز باشند.

دومین نکته مهم این تعریف این است که این اختلال می‌تواند در زبان گفتاری یا نوشتاری رخ دهد. به‌طور معمول ما فکر می‌کنیم که اختلال زبان فقط به مشکلات زبان گفتاری اشاره دارد؛ اما این تعریف به این نکته اشاره می‌کند که زبان جزء ضروری نوشتن نیز هست. گاهی اوقات مشکلات در نوشتن به دلیل مشکل اساسی در استفاده از زبان ایجاد می‌شوند.

سومین نکته مهم این است که اختلال‌های زبانی می‌توانند در یک یا چند جنبه از زبان رخ دهند. این عناصر زبان را در فصل بعدی با جزئیات بیشتری بررسی خواهیم کرد، اما نکته مهم این است که یک اختلال زبانی می‌تواند فراگیر یا محدود باشد.

مهم است که اختلال‌های زبانی را از تفاوت‌های زبانی متمایز کنیم. زبان اول بسیاری از دانش‌آموزان انگلیسی نیست یا گویشی دارند که با انگلیسی استاندارد متفاوت است. به این کودکان نباید صرفاً به این دلیل که متفاوت از معلمان خود یا برخی استانداردهای اجتماعی صحبت می‌کنند، برچسب «دچار اختلال زبانی» زد. باین‌حال، برخی از کودکان ممکن است متفاوت صحبت کنند و اختلال زبانی نیز داشته باشند. بعداً در این کتاب خواهیم دید که چگونه کارشناسان راه‌هایی ابداع کرده‌اند تا کودکان دارای تفاوت‌های زبانی را از کودکان دچار اختلال‌های زبانی متمایز کنند. اختلال‌های زبانی می‌توانند از خفیف (مثلاً مشکلات در استفاده از انتهای کلمات که خیلی در فهم

گفتار توسط دیگران خلل ایجاد نمی‌کند) تا شدید (مثلاً دشواری زیاد در درک آنچه دیگران می‌گویند یا درک گفتار فرد توسط دیگران) متفاوت باشند. گاهی اوقات، اصطلاحاتی مانند تأخیر و انحراف نیز ممکن است در رابطه با اختلال‌های زبانی استفاده شوند؛ باین‌حال، هر دوی این اصطلاحات مشکل‌ساز هستند. اکثر درمانگران و پژوهشگران ترجیح می‌دهند از اصطلاح «انحراف» استفاده نکنند، زیرا این اصطلاح بار معنایی منفی زیادی دارد. درحالی‌که کودکان دچار اختلال‌های زبانی ممکن است از مسیر عادی رشد منحرف شوند، ولی هیچ‌چیز ذاتاً «منحرف» در مورد آنها وجود ندارد. اصطلاح «تأخیر» نشان می‌دهد که کودک هیچ «مشکل» جدی ندارد و با گذر زمان دچار مشکل خواهند شد؛ اما آیا این موضوع همیشه درست است؟ آیا نقطه‌ای وجود دارد که تأخیر تبدیل به اختلال شود؟ کودک چند سال باید عقب باشد؟ یک سال؟ دو سال؟ ده سال؟ در بسیاری از موارد، چیزی که در یک نقطه از زمان تأخیر به نظر می‌رسد، ممکن است بعداً به‌عنوان فلات رشد شناختی دیده شود؛ یعنی رشد کودک متوقف شده و اکنون به‌عنوان دچار اختلال زبان شناخته می‌شود؛ بنابراین، بیشتر کارشناسان ترجیح می‌دهند از اصطلاح «اختلال‌های زبانی» برای توصیف نقایص رشد زبان استفاده کنند.

اغلب کودکان دچار اختلال‌های زبانی و ارتباطی مشکلات مرتبطی را تجربه می‌کنند که ممکن است نتیجه مشکلات زبانی آنها باشد. آنها ممکن است در تعامل با همسالان خود مشکل داشته باشند. ممکن است خجالتی باشند و تمایلی به نزدیک شدن به دیگران نداشته باشند. سایر کودکان ممکن است آنها را نادیده بگیرند یا حتی بدتر از آن، تلاش آنها برای دوستی را رد کنند. برخی از کودکان دچار اختلال‌های زبانی و ارتباطی در کارکرد شناختی مشکل دارند. آنها ممکن است در سازمان‌دهی اطلاعات برای یادآوری مشکل داشته باشند، ممکن است نسبت به همسالان خود دامنه توجه کوتاه‌تری داشته باشند و معمولاً ممکن است در پاسخگویی کندتر باشند. گاهی اوقات کودکانی که مشکلات زبانی و ارتباطی دارند، مشکلات رفتاری نیز نشان می‌دهند. این مشکلات ممکن است نتیجه ناکامی آنها در برقراری ارتباط باشد یا ممکن است ناشی از پاسخ دیگران به مشکلات آنها باشد. برخی از کودکان دچار اختلال‌های زبانی و ارتباطی دچار ناتوانی‌های جسمی هستند که باعث ایجاد یا تشدید مشکل آنها می‌شود. برای مثال، کودکان دچار شکاف کام اغلب در تلفظ مشکل دارند و کودکان دچار کم‌شنوایی خفیف و متغیر، در خطر انواع اختلال‌های زبانی و ارتباطی هستند.

اختلال‌های زبان اغلب با ناتوانی‌هایی مانند اُتیسْم و کم‌توانی ذهنی همراه است. کودکان دچار اختلال‌های زبانی ممکن است «نارساگو<sup>۱</sup>»، «نارساخوان<sup>۲</sup>»، «نام‌پیش<sup>۳</sup>»، «معلول ارتباطی<sup>۴</sup>»، «ناتوانی

---

1. dysphasic  
 2. dyslexic  
 3. dysnomic  
 4. communication handicapped

یادگیری زبان<sup>۱</sup> و غیره نامیده شوند. باین‌حال، اختلال‌های زبانی به کودکان دچار طبقه‌بندی‌هایی مانند عقب‌ماندگی ذهنی و کم‌توانی ذهنی محدود نمی‌شود. بسیاری از دانش‌آموزان دچار مشکلات زبانی خفیف هرگز طبقه‌بندی نمی‌شوند یا تحت عنوان کلی *ناتوان یادگیری دسته‌بندی می‌شوند*. در این کتاب، من انتخاب کرده‌ام که بخش‌های مربوط به اختلال‌های زبانی ویژه را بر اساس دسته‌بندی ناتوانی‌ها سازمان‌دهی کنم. این انتخاب آسانی نبود، و من به ظرفیت آن برای سردرگمی پی بردم. ممکن است به نظر برسد که کتاب می‌گوید همه کودکان دچار یک ناتوانی خاص (مثلاً کم‌توانی ذهنی) دچار اختلال‌های زبانی هستند درحالی‌که در واقع ممکن است اینطور نباشد. از طرف دیگر، ممکن است به نظر برسد که یک کودک برای داشتن یک اختلال زبانی، باید یک برچسب ناتوانی داشته باشد. این نیز درست نیست. باین‌حال، آموزش ویژه به‌طور معمول بر اساس دسته‌بندی‌های تشخیصی سازمان‌دهی می‌شود، و بسیاری از پژوهش‌ها در مورد اختلال‌های زبان به دسته‌بندی‌های تشخیصی مربوط می‌شوند؛ بنابراین، این دسته‌بندی‌ها گاهی اوقات ممکن است گمراه‌کننده باشند، اما چارچوبی سازمان‌دهی برای درک اختلال‌های زبانی ارائه می‌دهند.

معیار اصلی در تعیین اینکه آیا مشکل زبان به‌اندازه کافی جدی است که نیاز به مداخله داشته باشد، تأثیری است که مشکل بر کودک و دیگران می‌گذارد. آیا به نظر می‌رسد کودک نگران این مشکل است؟ آیا مشکل زبان در توانایی کودک برای یادگیری و/یا اجتماعی شدن تداخل ایجاد می‌کند؟ آیا سایر کودکان به دلیل مشکلاتی که کودک در گفتار، زبان یا ارتباط تجربه می‌کند، کودک را مسخره یا طرد می‌کنند؟ اگر پاسخ یک یا چند مورد از این سؤالات مثبت باشد، کودک ممکن است به نوعی مداخله نیاز داشته باشد.

از آنجاکه کودکان دچار اختلال‌های زبانی و ارتباطی در خطر شکست تحصیلی و اجتماعی هستند، مهم است که مشکلات آنها در اسرع وقت شناسایی شوند. در بسیاری از موارد، ممکن است بتوان عملکرد آنها را اصلاح کرد یا حداقل افزایش داد. کودکان دچار اختلال‌های زبانی و ارتباطی ممکن است ویژگی‌های متنوعی را نشان دهند. برخی از ویژگی‌هایی که بیشتر رخ می‌دهند در شکل ۳-۱ فهرست شده‌اند. دانش‌آموزانی که یک یا چند مورد از این ویژگی‌ها را برای مدت طولانی تجربه می‌کنند، ممکن است مشکلات اساسی در زبان و ارتباط داشته باشند. یک ارزیابی جامع باید شامل مهارت‌های زبانی و ارتباطی باشد تا مشخص شود که آیا این مهارت‌ها ممکن است در مشکلات یادگیری و/یا رفتاری کودک نقش داشته باشند.

### ویژگی‌های کودکان دچار اختلال‌های زبانی و ارتباطی عملکرد تحصیلی

عدم تمایل به مشارکت در بحث‌ها  
مشکل در سازمان‌دهی ایده‌ها  
مشکل در تشخیص واج‌ها  
مشکل در تولید صدا  
مشکل در اجرای دستورات  
مشکل در یافتن کلمه مناسب برای چیزها

### تعامل اجتماعی

بی‌میلی در تعامل با کودکان دیگر  
کنار گذاشتن شدن یا طرد شدن توسط سایر کودکان  
مشکل در انجام مکالمه  
مشکلات در مذاکره برای تعیین قوانین بازی

### عملکرد شناختی

مشکل در سازمان‌دهی اطلاعات برای یادآوری  
پاسخ آهسته  
بی‌توجه

### رفتار

سطح بالای سرخوردگی  
جروبحث‌های مکرر  
دعوا با همسالان  
کناره‌گیری از تعامل

شناخت مشکل و تعیین نیاز به مداخله اولین قدم ضروری برای کمک به کودکان دچار مشکلات زبانی و ارتباطی است؛ اما این فقط گام نخست است. دانستن آنچه کودک باید بتواند انجام دهد و چگونه به او کمک کنیم تا به آن نقطه برسد، هدف بقیه این کتاب است.

### خلاصه

در ابتدای این فصل، تعاریف گفتار، زبان و ارتباط ارائه شد و ویژگی‌های هر اصطلاح و تفاوت‌های آنها بیان شد. در بین این مفاهیم، گسترده‌ترین مفهوم، ارتباط است که هم تعامل کلامی و هم غیرکلامی

را شامل می‌شود. گفتار به عمل عصبی عضلانی تولید صدا اشاره دارد. زبان پدیده‌ای پیچیده است که شامل استفاده از نمادهایی است که با قوانینی که برای بیان معنا به کار می‌روند مطابقت دارند. علاوه بر این، اختلال‌های زبان به‌عنوان انحراف (یا تفاوت) از رشد عادی و/یا استفاده مناسب از زبان تعریف شد. شناسایی هر چه زودتر اختلال‌های زبانی مهم است زیرا چنین اختلال‌هایی می‌توانند مشکلات جدی در یادگیری و اجتماعی شدن ایجاد کنند. علاوه بر این، با شناسایی زودهنگام، ممکن است بتوان به کودکان کمک کرد تا مهارت‌های زبانی خود را بهبود بخشند.